ب

حضرت افنان جناب حاجی سیّد علی علیه بهآء اللّه الأبهی

ربیع‌الأوّل سنهٴ ١٣٠٧

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

حمد حضرت مقصودی را سزاست که بانوار آفتاب حقیقت مدن و دیار را بنور معرفت مزیّن فرمود و آذان طاهرهٴ مقدّسه را باصغاء ندا مؤیّد ساخت من فاز باﻻصغآء فاز باﻻستقامة مقصود از اصغا حقّ اﻻصغآء بوده و هست چنانچه مشاهده شد از قبل قد سمعوا و اعرضوا و یسمعون و یعترضون و الصّلوة و السّلام علی حبیبه و صفیّه الّذی اختاره ﻻظهار امره و ابراز احکامه و اوامره و علی آله و اصحابه الّذین بهم تمّت حجّة الله علی خلقه و ظهرت سطوة الله بین عباده

روحی لذکرکم الفدآء و ﻻستقامتکم الفدآء دستخطّ مبارک رسید فی‌الحقیقه حامل مژده‌ها بود چه که صحّت و سلامتی مزاج عالی را مبشّر و همچنین مراتب و مقامات خلوص و انقطاع و تشبّث و توسّل را مخبر خبیری بود دانا و حنیفی بود ناطق و توانا و بعد از مشاهده و قرائت قصد مقام نموده امام وجه عرض شد فرمودند نسأل الله تبارک و تعالی ان یوفّقه علی ما ینبغی و یفتح علی وجهه ابواب البرکة و العنایة و یظهر منه ما یهدی النّاس الی صراطه و یزیّنهم بطراز الأمانة و العفّة انّه علی کلّ شیء قدیر

و نذکر افنانی من اهل الوفآء الّذی سمّی بسیّد آقا و نبشّر من سمّی بمحمّد قبل رضا و نسأل الله تعالی ان یکتب لهما من قلمه الأعلی ما ﻻ ینفد و یکون باقیاً ببقآء اسمائه الحسنی و صفاته العلیا و نذکر اولیائی هناک و نسأل لهم البرکة و العافیة من الله مولی البریّة و نقول الهی الهی فاجعل عاقبة امورهم خیراً انتهی

این خادم فانی ﻻزال از حقّ جلّ جلاله از برای هر یک از افنان طلب نموده آنچه را که سبب فیض اعظم است از برای امم انّه مالک العالم و هادی عباده الی اسمه الأقدم الأکرم و همچنین از برای اولیا علیهم سلام الله طلب نموده آنچه را که سزاوار بخشش اوست انّه هو المقتدر القدیر و باﻻجابة جدیر

ذکر محبوب روحانی جناب آقا میرزا ابوالفضل علیه بهآء الله را نمودند و همچنین حبیب روحانی جناب آقا میرزا عبدالکریم و اولیای آن ارض یعنی عشق‌آباد را فرمودند بعد از عرض فرمودند آنچه را که امطار ربیع عنایت است از برای نهالهای وجود و نسیم مکرمت است از برای نفوس مستعدّه از غیب و شهود از قبل دو ورق از بیانات که از هر کلمۀ آن عرف فضل و رحمت و عنایت متضوّع بود بتوسّط آقای مکرّم حضرت افنان علیه بهآء الله الأبهی بآن ارض ارسال شد و در ثانی هم چون آن حضرت ارادهٴ ذکر فرمودند امر بارسال سیّالۀ برقیّه شد یسأل الخادم ربّه بأن یؤیّد الکلّ علی ما یحبّ و یرضی و یوفّقهم علی ما ترتفع به مقاماتهم بین الأحزاب انّه هو المقتدر علی ما اراد و هو الآمر الحکیم

امّا فقرۀ جناب ملّا محمّد علی (تفتی) علیه بهآء الله بعد از عرض فرمودند جناب مذکور حین ورودش در سجن آنچه داشت ارسال نمود و امر باخذ شد ولکن الی حین تصرّف ننمودیم و حال نظر باینکه ایشان مجدّد ارادهٴ ارسال مقداری نموده‌اند آن وجه را قبول مینمائیم که او هم این وجه ثانی از جانب ما قبول نماید هذه عنایة من عندنا از قبل مظلوم باو سلام برسان و بعنایات ﻻتحصی بشارت ده افنان میدانند و مطّلعند قبول این مظلوم وجه قبل را محض محبّت بایشانست الی حین از اکثری قبول نشده و از ایشان مرتبۀ اوّل بطراز قبول فائز لیقبل منّا فقرة الثّانیة نسأل الله ان یفتح علی وجهه ابواب عنایته و فضله و برکته و یجعله من الّذین فازوا بذکره فی بلاده و نصرة امره بین عباده بالحکمة و البیان انّه هو المقتدر العزیز المنّان انتهی

مجدّد در ذکر اولیای ارض عین و شین فرمودند یا اولیائی هناک انتم مفاتیح ابواب اﻻستقامة بین البریّة و رایات الهدایة بین الخلیقة بکم یثبت توحید ذاته و تنزیه کینونته نوصیکم یا اولیآء الله بالحکمة و بما ترتفع به مقاماتکم و شؤونکم طوبی لکم و لمن یحبّکم خالصاً لأمر الله ربّ الأرض و السّمآء و ربّ العرش العظیم ایّاکم ان تخوّفکم ضوضآء القوم الّذین نبذوا العدل ورائهم متمسّکین بالظّلم اﻻ انّهم فی عذاب مهین لیس لهم ناصر و ﻻ معین سوف تأخذهم نفحات العذاب من کلّ الجهات انّه هو الأحد المقتدر القدیر آنچه ﻻزم است اتّحاد و اتّفاق و حکمت و اعتدال در امور است طوبی للّذین تمسّکوا بحبل اﻻتّحاد و عملوا بما امروا به من لدن علیم حکیم

و امّا فصل در هیچ احوال جایز نه فصل در آن ارض سبب اشتعال نار بغضا میشود در جمیع بلاد ایران آن ارض چون متعلّق بدولت دیگر است اسباب حرّیّت بدست میآید ولکن این حرّیّت سبب رقّیّت سایر احبّا است در بلاد ایران باری در جمیع احوال باعتدال و اسبابی که سبب تقرّب و انجذاب قلوبست باید تمسّک نمود و این فقره منوط باعمال طیّبه و اخلاق مرضیّه است که سبب هدایت و تقرّب نفوسست انّه معکم یشهد و یری و هو السّمیع البصیر انتهی

در بارۀ جناب میر محمّد حسین بیک علیه بهآء الله و بعض عرایض آن جهات مرقوم داشتند چندی قبل مخصوص ایشان نازل شد آنچه که حجّت باقیه است از برای عالم و اهل آن و ارسال گشت یسأل الخادم ربّه بأن یقرّ الأبصار بمشاهدته و الآذان باصغائه انّه هو المؤیّد الحکیم ﻻزال محبوبی میر و اولیای آن اطراف از ذکور و اناث در ساحت اقدس مذکور بوده و هستند مقامشان از الواح الهی معلوم و واضحست هنیئاً لهم آن حضرت جواب نامه‌های ایشان را مرقوم فرمایند و اظهار عنایت از قبل حقّ مذکور نمایند

در بارۀ امورات علیّه مرقوم داشتند در جمیع احوال از حقّ سائل و آمل اعزاز امرش را در مدن و دیار و نصرت حضرت افنان را انّه مجیب السّائلین

و امّا در بارۀ قرآن باید با قرآن از آقا حسینعلی اخذ شود با نوشتۀ معتبری بمهر جمعی و تفصیل در آن مذکور گردد و در ارض طاء نزد جناب حاجی میرزا حسن علیه بهآء الله ارسال شود و این فقره بسیار ﻻزم است چه که بسیار ذکر نموده‌اند و مفتریاتی نسبت داده‌اند ولکن بدوستی از آقا حسینعلی خواهش نمایند طرف معارضه واقع نشوند با هر نفسی لوجه الله محبّت و شفقت ﻻزم مگر نفوس معرضه این حکم در کتاب اقدس از سماء امر نازل طوبی للعاملین السّلام و الذّکر و البهآء علی حضرتکم و علی من یحبّکم و یسمع قولکم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ٣ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر